

آموزش فا در کنفرانس فای نیویورک ۲۰۰۷

۷ آوریل، ۲۰۰۷ در منهتن

لی هنگجی

عصر بخیر! (تشویق) شما سخت کار کرده‌اید! (تشویق)

کنفرانس فا گردهمایی باشکوه مریدان دافا است، و برخی از شما حضار هزاران مایل سفر کرده‌اید تا از طریق شرکت در کنفرانس فا، شکافها و نقطه‌ضعف‌های تان را شناسایی کرده، و بدین طریق عقب‌افتادگی در خصوص آن مسائل را جبران کنید. تزکیه‌ی شخصی و رشد و پیشرفت مریدان دافا و همچنین رسیدن مریدان دافا به کمال، دیگر موضوع نیست. هم‌اکنون، چیز مهمی که باید به آن توجه شود این موضوع است که چگونه موجودات ذی‌شعور بیش‌تری را نجات داد، و این چیزی است که مریدان دافا باید در طول روند جاری رسیدن به کمال به‌انجام برسانند. این مأموریت مریدان دافا است، این وظیفه‌ای است که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد، کاری که باید انجام دهند و باید کامل کنند.

بسیاری از پیش‌گویی‌ها در گذشته گفتند که در طی دوره‌ی خاصی تعداد عظیمی از مردم از بین خواهند رفت و فقط تعداد بسیار کمی از افراد خوب زنده خواهند ماند. مدت‌ها پیش، یک‌بار خودم گفتم، "من فقط افراد خودم را می‌خواهم." در غرب، بسیاری از افسانه‌ها و کتاب مقدس شرح داده‌اند که در روز رستاخیز فقط درصد کمی از افراد جان‌به‌در خواهند برد. در اوایل وضعیت این‌طور بود که مردم دنیا، شامل تمامی موجودات ذی‌شعور در سه‌قلمرو، از عناصری متعلق به داخل سه‌قلمرو ساخته شده بودند. عناصر مادی درون سه‌قلمرو از آن‌هایی که در آسمان‌ها قرار دارند کاملاً متفاوت است، بنابراین چنین موجوداتی نمی‌توانستند به آسمان‌ها صعود کنند و می‌توانستند فقط در این سطح بمانند. اما بعدها این وضعیت، متناسب با تغییرات پیوسته در حال هویدا شدن در تاریخ و تمام مسیر تا دوره‌های امروزه، دست‌خوش تغییرات عظیمی شد.

قبلاً به تفصیل در این زمینه شرح داده‌ام - بسیاری از موجودات سطح بالا به دنیای بشری آمدند و به‌صورت موجودات بشری بازپیدا شدند. به‌عبارت دیگر، درخصوص ظاهر بیرونی، شبیه انسان بودند و ساختاری بشری داشتند. اما با این حال، در سطحی بنیادین، درون مواد دنیای ذره‌بینی در سطحی‌ترین ماده‌ی دنیای بشری، یا آن‌سوی ماده‌ی سطحی بشری، آن‌ها از ورای سه‌قلمرو بودند. بسیاری از بدن‌های بشری - همان‌طور که یک نفر یک تکه لباس می‌پوشد - توسط خدایانی که از سطوح بالاتر به دنیا پایین آمدند پوشیده شدند؛ بنابراین آن‌ها شبیه انسان به‌نظر می‌رسند، اما اساساً موجوداتی از سطوح بالاتر هستند. البته بدون توجه به این که چه کسی می‌آید و بدون توجه به این که این موجودات یا خدایان از چه سطح بالایی می‌آیند، یک‌بار که به دنیای بشری بیایند وارد اجتماع توهم شده و فاقد هر گونه شناختی هستند. به بیانی دیگر، پس از آن دیگر خدا نیستند، بلکه موجودات بشری هستند. تحت چنین شرایطی، بدون توجه به این که از چه سطح بالایی آمدند، جنبه‌ی خدایی‌شان قادر نیست نمایان شود و خردشان مهروموم می‌شود، آن‌ها را فقط شبیه موجودات بشری می‌کند. زمانی که جامعه به‌خوبی عمل می‌کند، آن‌ها به‌صورت یک کل می‌توانند معیار اخلاقی خاصی را که با وضعیت کلی جامعه سازگار است نگه دارند، و در این حالت، آینده‌ی چنان وحشتناکی برای انسان‌ها یا موجودات دیگر نخواهد بود. اما اگر اخلاقیات جامعه به‌سرعت سقوط کند یا اگر نیروهای کهن تعمداً اجتماع بشری را به پایین بلغزانند، آن‌گاه این چیزی بی‌نهایت وحشتناک برای تمامی موجودات است، شامل خدایانی از سطوح بالا که پایین آمدند تا موجودات بشری شوند.

درواقع، در جامعه‌ی چینی امروزه، ارزش‌های اخلاقی مردم، از حالتی که در گذشته خدایان به‌عنوان الزاماتی برای بشر مقرر نمودند، زمانی که در ابتدا انسان را خلق کردند، بسیار فاصله گرفته است. به‌عبارت دیگر، وضعیتی که مردم در آن هستند دیگر وضعیت انسانی نیست. به‌طور ناخوشایندی بیان کنیم، آن‌ها دیگر ارزش انسان بودن را ندارند. در صورت نبود این تعهد اصلاح-فا، آن‌ها در گذشته نابود می‌شدند. در طی تاریخ، بشر از میان فاجعه‌ای پس از فاجعه‌ای دیگر گذر کرده و بارها نابود شده است. چیزها به همین شکل برای عالم بزرگ‌تر عمل می‌کند، چیزی شبیه روند سوخت و ساز بدن بشری دارد: وقتی سلول‌ها رشد کرده و فرتوت می‌شوند و دیگر قوی نیستند، دور انداخته می‌شوند و سلول‌های خوب از نو ساخته می‌شوند. در مناطق مختلفی از عالم بزرگ‌تر، این‌طور نیست که این رخداد فقط به‌دفعات روی دهد، بلکه در واقع به‌طور پیوسته روی می‌دهد- و این کاملاً طبیعی است. پس درخصوص یک موجود بشری، حیات او در پایین‌ترین سطح است؛ و به‌عنوان مخلوقی در پایین‌ترین سطح، مهم نیست یک شخص فکر می‌کند او چه‌قدر باشکوه است، در چشمان خدایان چیزی به‌حساب نمی‌آید و وقتی خوب نباشد از بین برده خواهد شد. به‌خاطر این‌که امروز اصلاح-فا و نجات تمامی موجودات ذی‌شعور در کیهان درحال روی‌دادن می‌باشد است که موجودات بشری منحط از بین نرفته‌اند. به‌خاطر این‌که وضعیت بشریت دست‌خوش تغییرات خاصی شده و نیز مریدان دافا نیاز دارند تقوای عظیم خود را از طریق این رخداد بنیان نهند است که بشریت اجازه یافته زنده بماند و ادامه دهد. به‌عنوان مریدان دافا، اگر درحال حاضر نتوانید آن را به‌انجام رسانده و موجودات را نجات دهید، آن‌گاه نتوانسته‌اید عهده‌هایی را که یک‌بار بستید به‌انجام برسانید و برای کل اصلاح-فا، کیهان و موجودات ذی‌شعور فاجعه به‌بار خواهید آورد. این دلیل آن است که چرا هم‌اکنون گفتم این چیزی است که مریدان دافا باید به‌خوبی انجام دهند.

حال که موضوع صحبت این است بگذارید درباره‌ی سه‌قلمرو بیش‌تر بگویم. علی‌رغم وضعیت فعلی جامعه‌ی بشری؛ علی‌رغم این‌که چگونه موجودات در سه‌قلمرو خودشان را خیلی مهم در نظر می‌گیرند؛ این‌که مردم فکر می‌کنند در اجتماع چه‌قدر پیشرفته، ماهر، قدرتمند و ثروتمند هستند؛ یا این‌که هر ملیت، حکومت و هر شخص به‌اصطلاح ماهری فکر می‌کند چه‌قدر واقعاً مهم است- می‌توانم به شما بگویم، امروز هر چیزی از بشریت، شامل هر چیزی که در تاریخ به‌وقوع پیوسته و ظهور سه‌قلمرو، برای اصلاح-فا وجود دارند. به‌عبارت دیگر، هر چیزی برای این اصلاح-فا خلق شد، هر چیزی برای این اصلاح-فا این‌جا آمد و هر چیزی در این روند برای این اصلاح-فا بنیان گذاشته شد. هر چیزی از بشریت- شامل زندگی، ماده، هر چیزی که شخص می‌تواند به آن پی ببرد، درک کند و به درکی از آن برسد- برای این رویداد اصلاح-فا وجود دارد، در غیر این‌صورت به‌هیچ وجه به‌وجود نمی‌آمدند.

به شکلی دیگر بیان کنیم، سه‌قلمرو خلق شد به‌طوری که درنهایت تمامی موجودات در کیهان بتوانند در طی اصلاح-فا نجات یابند و مریدان دافا بتوانند بدین‌طریق موفق شوند. در غیر این‌صورت سه‌قلمرو وجود نمی‌داشت. اجتماع بشری چیزی جز ذره‌ای درون سه‌قلمرو نیست- اجتماعی که بر روی ذره‌ای ناچیز وجود دارد، چیزی بی‌اهمیت‌تر از آن‌که بتوان ذکر کرد- و مهم نیست موجودات بشری داخل آن چه‌قدر امورشان را باشکوه در نظر می‌گیرند، مهم نیست انسان‌ها فکر می‌کنند امور بشریت چه‌قدر مهم هستند، مهم نیست انسان‌ها دستاوردهای بشریت را چه‌قدر باشکوه در نظر می‌گیرند و مهم نیست چگونه بشریت توسعه یافته است، تمامی این‌ها نظراتی هستند که موجودات بشری از طریق نگاه کردن به مسائل از نقطه‌نظر یک انسان به آن‌ها رسیده‌اند. وقتی مردم درحالی که در وضعیت توهم هستند فکر می‌کنند اجتماع بشری قابل‌توجه است، آن نتیجه‌ی این است که وضعیت حقیقی را نمی‌دانند. موجودات بشری می‌توانند هر چه که مایل باشند [درباره‌ی خودشان] بگویند، اما این‌طوری نیست که خدایان به آن‌ها می‌نگرند. یک‌بار که تمامی موجودات از هدف واقعی زندگی بشری و محیطی که موجودات بشری در آن زندگی می‌کنند آگاه شوند، به این درک می‌رسند که "توسعه‌ی" بشریت چیزی بیش از روندی از ساختن و پرورش دادن آن نبوده و درحالی که ورود رویداد بزرگ پایانی انتظار

کشیده می‌شده، وضعیت اجتماع بشری نگه داشته می‌شده است. تمامی چیزها چیزی بیش از نمودهای خاصی در روند نگه داشتن حالت بودن بشریت نبوده و هدف واقعی، منتظر این مرحله‌ی آخر بودن بوده است— ورود خدایان و شروع اصلاح— فا.

آموزش فا را از سال ۱۹۹۲ آغاز کردم. در گذشته مریدان دافا به‌طور پیوسته فا را ترویج می‌دادند و اکنون، مریدان دافا درحالی که دست‌خوش آزار و شکنجه می‌شوند، در مقیاسی جهانی درحال نجات تمامی موجودات هستند. و مردم دنیا که مریدان دافا درحال نجات آن‌ها هستند در زمان‌های اخیر دست‌خوش تغییراتی شده‌اند. آن‌چه که بشریت به انتظار آن بوده و آن‌چه که پیامبران پیش‌گویی کردند درحال روی دادن هستند. افراد سرگشته و سردرگمی که توسط منافع مادی، ظواهر کاذب و دروغ‌ها سوق داده می‌شوند، به خود اجازه نمی‌دهند باور بیاورند که هر چیزی در مرحله‌ی پایانی واقعاً شروع شده و درحال انجام است. به‌نظر می‌رسد اجتماع بشری هنوز مطابق معمول به کار خود ادامه می‌دهد و هر چیزی به‌طور هموار، پایدار و معمول کار می‌کند. اما درحقیقت هر چیزی برای خاطر اصلاح— فا درحال عمل کردن می‌باشد. وقتی خدایان وارد این‌جا می‌شوند، نمایش بزرگی از آن را به‌اجرا نمی‌گذارند یا نمایش کیهانی بزرگی را نشان دهند— "من وارد شده‌ام، به هر چیزی که می‌گویم گوش کنید و من همگی شما را بدون قید و شرط به آسمان‌ها خواهم برد." هرگز این روی نخواهد داد. موجودات بشری مجبورند تاوان تمامی گناهانی را که درطول تاریخ مرتکب شدند بپردازند. این‌که آیا آنان ارزش دیدن خدایان را داشته باشند به آن سادگی که انسان‌ها تصور می‌کنند نیست. این‌که آیا موجودات بشری ارزش به‌دست آوردن فا و صعود به آسمان‌ها را دارند چیزی است که باید درحالی که در توهم هستند، درخصوص آن، مورد آزمایش قرار گیرند و بنابراین خدایان قرار نیست خودشان را به آن شیوه آشکار کنند. وقتی خدایان خود را در اجتماع بشری متجلی می‌کنند، بسیار شبیه موجودات بشری به‌نظر می‌رسند، اما آن‌چه که می‌گویند حقیقت است. موضوع این است که آیا سطح پایه‌ی اخلاقیات انسانی و ارزش‌های اخلاقی به مردم اجازه می‌دهد هنوز [آن خدا] را تشخیص دهند و آیا آن‌ها می‌توانند با ابتدایی‌ترین معیارهای اخلاقی که کیهان برای بشریت مقرر کرده هنوز تشخیص دهند— یعنی، معیار اخلاقی غایی مردم تعیین می‌کند که آیا آن‌ها می‌توانند این فا را که آمده تا تمامی موجودات را نجات دهد تشخیص دهند. اگر بتوانید آن را تشخیص دهید، پس شما رهایی و نجات خواهید یافت. اگر قادر نباشید آن را تشخیص دهید، آن‌گاه وراثی نجات یافتن خواهید بود و نمی‌توانید نگه داشته شوید. و این نتیجه‌ی سقوط سطح پایه‌ی اخلاقیات است؛ بدون اخلاقیات، یک شخص، دیگر با معیار بشر بودن مطابق نیست. از زمان‌های قدیم تا حال حاضر، در شرق یا غرب، مردم همیشه بر اخلاقیات انسانی تأکید داشته‌اند. اما در زمان‌های معاصر، چه تعدادی از افراد واقعاً به آن ارزش می‌گذارند؟ در انتها، در طی زمانی که خدایان قرار است مردم را نجات دهند، گرچه میزان اخلاقیات شخص به‌طور مستقیم مورد توجه قرار داده نمی‌شود، اما انحطاط اخلاقیات خود شما منجر به سقوط سطح پایه شده و این چیزی است که باعث شده نتوانید با فا تشخیص دهید و آن را به‌جا بیاورید. آیا علت این‌که چرا نمی‌توانید رهایی و نجات یابید این نیست؟

در گذشته، اجتماع بشری همیشه حالتی را نگه داشت که در آن ارزش‌های اخلاقی کاملاً جدی در نظر گرفته می‌شد. در زمان‌های اخیر، مردم در نظر گرفته شدند که فا را به‌دست بیاورند و رهایی و نجات یابند. اما نیروهای کهن اجازه نمی‌دادند آن تعداد زیادی از مردم نجات یابند و خواهان این بودند که قسمتی از نژاد بشری را از بین ببرند. بنابراین آن‌ها حزب کمونیست بدنهاد را برای اجتماع بشری به‌وجود آوردند و قابل‌ملاحظه‌تر این‌که ح‌ک‌چ بدنهاد کارهای زیادی انجام داده تا اخلاقیات بشری را تبه کند و فرهنگ حزب را خلق کرد، همین‌طور روش‌های تفکر مردم را تغییر داد، با این هدف که تمام این‌ها باشد تا هنگامی که زمان آن فرا رسید مردم را از به‌دست آوردن فا باز دارد. آن‌گاه افکار و عقاید تغییر داده شده، به مسائل، با ذهنیت القا شده توسط فرهنگ حزب بدنهاد می‌نگرد. به‌طور کامل کنار گذاشتن تفکر بشری و فرهنگ بشری، [همان‌طور که حزب باعث شده مردم چنین کنند،] به منزله‌ی موجودی منحرف شدن و قرار گرفتن در بین قسمتی

از آن‌هایی که باید از بین بروند است. پنج هزار سال فرهنگ چینی، بنیانی را برای فرهنگ، روش‌های تفکر و شیوه‌های رفتار تمامی بشریت بنا نهاد و این خدایان بودند که به‌طور سازمان‌یافته‌ای تمامی این‌ها را خلق کردند. با این حال، آن توسط حزبی بدنهاد که توسط نیروهای کهن پشتیبانی شده، نابود و تباه شده است. در طول دوره‌ی کوتاه این چند دهه، آن به‌طور پیوسته فرهنگ باستان چین را نفی کرده و تمدن باستان چین را لگدمال کرده است. خدایان، ایده‌ها، اخلاقیات و تمدن را به موجودات بشری عرضه کردند تا موجودات بشری بتوانند در مرحله‌ی پایانی از این‌ها استفاده کرده تا درست و اشتباه را از هم تشخیص داده، فا را درک کنند و نجات یابند. ح‌ک‌چ بدنهاد نه‌تنها به‌طور سازمان‌یافته و از روی عمد درحال خراب کردن تمامی این‌ها است، بلکه به‌طور سازمان‌یافته و از روی عمد درحال القا کردن فرهنگ بدنهاد حزب در مردم نیز می‌باشد. آن را "آموزش مردم" و "اصلاح مردم" می‌نامد- آن‌ها آن را در اصطلاحات شفافی قرار می‌دهند- و باعث می‌شوند حتی جهان‌بینی‌تان را تغییر دهید، تغییری که شما را به سمتی می‌برد که از رفتار، روش تفکر و ذهنیت به‌وجود آمده توسط ح‌ک‌چ بدنهاد پیروی کنید. وقتی مردم چینی با جهان‌بینی القا شده توسط حزب بدنهاد به چیزها می‌نگرند، درحالی که بدین شیوه "اصلاح" شده‌اند، واقعاً برای آن‌ها سخت است در این دنیای بشری، درست را از اشتباه و خوب را از بد تمیز دهند، یا فا و حقیقت را تشخیص دهند. مردمان مسن‌تر و افرادی از نسل‌های قدیمی‌تر، توسط فرهنگ بشری باستان آموزش دیده و شکل گرفتند، [دوره‌ی] پیش از ظهور فرهنگ ح‌ک‌چ بدنهاد. گرچه چیزهای ح‌ک‌چ بدنهاد در دوره‌های اخیر پدید آمدند، اما سطح پایه‌ی اخلاقی آن افراد تا امروز دست‌نخورده باقی مانده است و می‌توانند در سطحی ابتدایی خوب و بد را از هم تمیز دهند. تأسف‌بارتر از همه، جوان‌های معاصر هستند که نظرات ح‌ک‌چ بدنهاد در سرشان کاملاً جای‌گرفته است و با این حال، این اشخاص فکر می‌کنند که باشکوهند و می‌توانند به همه چیز پی ببرند. به اشتباه فکر می‌کنند وضعیت آشفته‌ی روابط، سیستم‌های ارزش و روابط اخلاقی مردم- که خود این‌ها نتیجه‌ای است از این‌که ح‌ک‌چ عمدتاً این چیزها را تباه کرده- چیزی است که بشریت در طول تاریخ همواره این‌گونه بوده و فکر می‌کنند این‌گونه‌ی بشری است که این‌گونه عمل می‌کند. به‌علاوه، تئوری ارتدادآمیز تکامل وجود دارد که به موجب آن خودشان را حیوان در نظر می‌گیرند، بی‌خبر از این حقیقت که این در نتیجه‌ی اعمال تعمدی ح‌ک‌چ روی داده است. مردم چیزی را که بشریت به انتظار آن بوده و منظور واقعی انسان بودن را فراموش کرده‌اند، اما روح شیطانی حزب بدنهاد از این چیزها آگاه است و از این رو عمدتاً موجودات بشری را تباه کرده است. آن جهالت بی‌ارزش معاصرگونه به‌طور کامل آن‌ها را از تشخیص حقیقت کیهان باز داشته و این دورنمایی وحشتناک برای این نسل است.

البته این درخصوص اصلاح- فا و نجات تمامی موجودات است و آیا خدایان قادر مطلق نیستند؟ و آیا فای بودا بی‌کران نیست؟ قطعاً [همین‌طور است]، در روند نجات موجودات، قدرت بی‌کران فای دافا به‌طور کامل درحال متجلی شدن است. وقتی دافا در ابتدا منتشر می‌شد در ظاهر چیزی بیان کردم: گفتم که درب برای همگی که نجات یابند به‌طور وسیعی باز است- آن قدر باز که دیگر دری وجود ندارد. هیچ اشتباه مرتکب شده توسط موجودات ذی‌شعور در طول تاریخ علیه آنان به‌کار نمی‌رفت، چراکه موجودات از تمامی نوع‌ها و گونه‌ها در سطوح مختلف، دیگر خوب نیستند و حتی یک سطح هم دیگر مطابق استاندارد آن سطح نیست. این‌طور نیست که بگوییم آن‌هایی که در سطح بالا هستند دیگر مطابق با استاندارد سطح پایین نیستند. بلکه، یک موجود خدایی باید مطابق استاندارد سطحی باشد که موجود خدایی در آن است- این عملی نخواهد بود اگر فقط مطابق استاندارد یک موجود بشری باشید. اگر فقط مطابق استاندارد یک موجود بشری باشید، آن‌گاه یک موجود بشری هستید. به‌عبارت دیگر، موجودات در هر سطحی، دیگر مطابق استانداردهای سطح‌شان نیستند و این شامل مطابق استاندارد بشر نبودن موجودات بشری نیز می‌شود. پس در این مرحله، می‌توان چه‌کار کرد که موجودات ذی‌شعور را نجات داد؟

همگی می‌دانید که موجودات خوب و بد هر دو در کیهان وجود دارند. جایی که بوداها هستند، اهریمن‌ها نیز هستند. جایی که خدایان مثبت هستند، خدایان منفی هم هستند. آن‌ها متضاد یک‌دیگرند زیرا پیامدهای اجتناب‌ناپذیر کیهان هستند. آن‌گاه اگر کسی بخواهد تمامی موجودات را نجات دهد، فقط یک راه وجود دارد، یعنی از تمامی اشتباهاتی که تمامی موجودات درحالی که زندگی‌شان را می‌گذرانند مرتکب شدند، چشم‌پوشی کرد. آن‌ها فقط پس از کنار گذاشتن اشتباهاتی که تمامی موجودات در تاریخ مرتکب شدند می‌توانند نجات یابند. به بیانی دیگر، کل کیهان، دیگر خوب نیست، بنابراین چه معنی دارد دنبال این بود که چه کسی کمی بهتر از چه کسی است؟ حتی اگر کسی کمی بهتر از دیگران بود، هنوز هم نمی‌توانست مطابق استاندارد تعیین شده توسط کیهان باشد، بنابراین در روند نجات آنان، چنین چیزهایی کلاً در نظر گرفته نمی‌شوند. پس به چه چیزی نگریده می‌شود؟ تمرکز بر این است که آیا وقتی به شخصی نجات عرضه می‌شود، قادر است این‌ها را که این‌جا است تا او را نجات دهد تشخیص دهد! به‌خاطر این‌که هر چیزی از آینده توسط این‌ها خلق می‌شود، موجودات در آینده در محیط زندگی‌ای که این‌ها برای آن‌ها فراهم می‌کند وجود خواهند داشت. هر کسی قادر باشد با موفقیت وارد آینده شود، فقط پس از این‌که توسط این‌ها پاک شده و جذب‌فا شده، چنین کرده است. اگر حتی نتوانید این‌ها را تشخیص دهید، پس البته نمی‌توانید بمانید. اگر قرار باشد بمانید کجا خواهید رفت؟ کیهان آینده توسط این‌ها خلق می‌شود، بنابراین جایی برای شما نخواهد بود و شما دیگر وجود نخواهید داشت.

واضح‌تر بیان کنیم، درحال حاضر در طی اصلاح-فا، بدون توجه به این‌که موجودات ذی‌شعور گناہانی به چه بزرگی مرتکب شده‌اند یا اشتباهاتی که در گذشته مرتکب شدند چه قدر سنگین است، به تنها چیزی که نگریده می‌شود نگرشی است که آن‌ها نسبت به دافا و مریدان دافا در طول اصلاح-فا دارند. فقط این خط فاصل وجود دارد. درواقع، این خط، در کل خط نیست؛ فقط درخصوص این است که آیا شما می‌خواهید وارد آینده شوید. در بین دروغ‌هایی که دنیا را فریب داده است و در بین فرهنگ بدنهاد ساخته شده توسط ح‌ک‌چ شیطانی، چند نفر از مردم هنوز می‌توانند این نکته را تشخیص دهند؟ چند نفر از مردم می‌توانند درست را از اشتباه تمیز دهند؟ چند نفر از مردم می‌توانند شرارت ح‌ک‌چ شیطانی را به‌طور واضح ببینند؟ کار بسیار سختی است و این دلیل آن است که چرا مریدان دافا حقایق را آشکار می‌کنند، شیطان را افشا می‌کنند و به مردم کمک می‌کنند ماهیت ح‌ک‌چ بدنهاد را ببینند. فقط با انجام این کارها مردم دنیا می‌توانند نجات یابند. این دقیقاً کاری است که مریدان دافا باید انجام دهند.

برخی از مردم می‌گویند، "وقتی شما افراد درحال ترویج نه شرح و تفسیر هستید یا ح‌ک‌چ شیطانی را افشا می‌کنید، آیا درحال درگیر شدن در امور سیاسی نیستید؟" بسیار خوب، "امور سیاسی" چیست؟ در ذهن غربی‌ها، تمامی کارهایی که در گستره‌ی عمومی انجام می‌شود، به‌استثنای فعالیت‌های مذهبی، امور سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. در سراسر دنیا واژه‌ی "امور سیاسی" این‌گونه معنی می‌شود. فعالیت‌های مذهبی قسمتی از فعالیت‌های شخص در اجتماع است. از فعالیت‌های در گستره‌ی عمومی، به‌جز آن نوع، یعنی فعالیت‌های مذهبی، هر چیزی به مجموعه‌ی فعالیت‌های سیاسی تعلق دارد. پس چه چیزی فعالیت سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود؟ وقتی در خانه هستید و آشپزی می‌کنید و به امور منزل می‌پردازید، امور سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود. اما به‌محض این‌که فعالیت‌های‌تان با اجتماع آمیخته شود، آن‌ها امور سیاسی در نظر گرفته می‌شوند. این صحبتی از نقطه‌نظر جامعه‌ای آزاد است. اما حتی اگر از نقطه‌نظر منحرف شکل داده شده توسط ح‌ک‌چ بدنهاد به "امور سیاسی" نگریده شود، هنوز هم چیز عمده‌ای نیست. آن نسخه‌ی تحریف شده‌ی "امور سیاسی" چوبی است که برای حمله به مردم استفاده می‌شود. اگر مردم بتوانند از طریق سیاست نجات داده شوند، آن‌گاه ما می‌توانیم از آن شکل استفاده کنیم- چه اشتباهی در آن خواهد بود؟ لحظه‌ای پیش گفتم هر چیزی در سه‌قلمرو برای دافا خلق شد، برای دافا توسعه یافت و برای دافا آمد. بدون این اصلاح-فا هیچ چیزی از بشریت وجود نمی‌داشت. پس به شیوه‌ای دیگر ببیندیم، این را در نظر بگیرید: آیا تمامی این‌ها برای دافا فراهم نشد؟ آیا تمامی این چیزها برای این نیست که برای نجات مردم

استفاده شود؟ آیا آن‌ها برای این نیستند که برای تزکیه‌ی مریدان دافا استفاده شوند؟ مطمئناً برای همین‌ها است! فقط موضوع این است که من، لی هنگجی، چه چیزی را برای مریدان دافا انتخاب می‌کنم.

از زاویه‌ای دیگر صحبت کنیم، چگونگی تزکیه‌ی مریدان دافا از هر روش تزکیه‌ای در تاریخ متفاوت است. در نتیجه، تفکر بسیاری از افراد قادر نیست [با وقایع] پیش برود و آن‌ها احساس گیجی می‌کنند، چراکه در حال استفاده از روش تفکری هستند که ح‌کچ بدنهاد در آن‌ها ایجاد کرده تا به این نگاه کنند که گذشته و حال چگونه به هم‌دیگر وابسته هستند و تزکیه‌ای را که مریدان دافا انجام می‌دهند از نقطه‌نظر تزکیه‌ی مذهبی گذشته تفسیر کنند. چنین افرادی فکر می‌کنند که برای موجودات بشری این‌گونه در نظر گرفته شده که [به شیوه‌ی] تزکیه‌ی گذشته تزکیه کنند و این‌که شیوه‌های گذشته‌ی ایمان می‌توانستند مردم را به‌طور واقعی قادر کنند به آسمان برگردند. اما مردم به هر صورت قادر نبودند به آسمان برگردند. اکنون افراد بیش‌تر و بیش‌تری، شامل افرادی در اجتماع غربی، پی‌برده‌اند و عمیق‌تر فهمیده‌اند که موجودات بشری بازپیدا می‌شوند. از زمانی که شخصی به این مکان بشری می‌آید، هیچ وسیله‌ای برای صعود دوباره به آسمان‌ها نمی‌داشت. و این مطلق بود- هیچ کسی نمی‌توانست به آسمان‌ها صعود کند. روح‌های کمکی، گرچه در مجاورت سه‌قلمرو بودند اما داخل سه‌قلمرو نبودند. شبیه این است که من در مجاورت آن میز ایستاده‌ام اما داخل میز نرفته‌ام. این دلیل آن است که چرا روح کمکی می‌توانست در تزکیه موفق شود و به آسمان‌ها صعود کند. اما حتی در آن موارد نیز، به‌خاطر این‌که در مجاورت سه‌قلمرو آمده بود، وقتی به آسمان‌ها برگردد خدایان سطوح بالاتر پوششی دور او قرار می‌دهند، برای همیشه او را از موجودات در آسمان‌ها جدا می‌کنند. گرچه او نمی‌تواند پوشش را ببیند. منظور این است که او را از آلوده کردن آسمان‌ها و موجودات ذی‌شعور آن‌جا باز دارند. اگر در این‌باره صحبت نکرده بودم حتی خدایان نیز درباره‌ی آن آگاهی نمی‌داشتند.

به بیانی دیگر، هر کسی وارد سه‌قلمرو می‌شد و به این مکان بشری می‌آمد سقوط کرده بود و نمی‌توانست دوباره صعود کند، زیرا در گذشته بشریت هرگز فای حقیقی که بتواند موجودات بشری را قادر به برگشت به آسمان‌ها کند نداشت. گفته شده که شاکيامونی فا را آموزش داد، و مسیح راه را آموزش داد. اما درحقیقت، آن‌چه آن‌ها آموزش دادند فقط برای یکی از روح‌های هر فرد، روح کمکی، در نظر گرفته شده بود، درحالی که جنبه‌ی بشری این‌جا نمی‌توانست آن را درک کند و این برای شخص در ظاهر و روح اصلی او، غیرممکن می‌ساخت که خودشان را از طریق تزکیه تغییر دهند. مردم درباره‌ی این صحبت می‌کنند که بودا شاکيامونی چگونه فا را به چنین و چنان روشی پخش کرد. اما او و افرادی شبیه وی صرفاً در حال بنیان نهادن فرهنگ بشریت بودند. وقتی ابتدا [آموزش فا را] آغاز کردم درباره‌ی این چیزها صحبت کردم. وقتی موجودات بشری در ابتدا توسط خدایان خلق شدند، ذهن‌شان لوحی خالی بود. هیچ توانایی درک این دنیا را نداشتند. آن‌ها تجربه‌ی زندگی واقعی را نداشتند، هرگز شکست یا سختی را تجربه نکرده بودند و همان‌طور که زندگی‌شان را می‌گذراندند نمی‌توانستند چهار فصل را از هم تمیز دهند. باید به انسان روندی برای آگاهی درباره‌ی دنیا و درک آن داده می‌شد- روندی که برای بنیان نهادن پیوسته‌ی شکل‌های گوناگونی از تمدن باشد- و از این‌رو می‌بایست برای بشر یک روش تفکر صحیح سازمان‌یافته و اعتقادات اخلاقی خلق می‌شد. چیزی شبیه آن فقط می‌توانست از طریق روندی بسیار طولانی در تاریخ شکل بگیرد و از این‌رو بشریت مجبور بود از میان سال‌های بسیار زیادی از تاریخ گذر کند. سه‌قلمرو و بشریت نمی‌توانست همان‌طور که اصلاح- فا در حال هویدا شدن بود به‌صورتی پویا خلق شوند. این کار عملی نمی‌بود، بنابراین بایستی روندی تاریخی وجود می‌داشت که موجودات بشری را قادر می‌کرد همان‌طور که در طول آن روند در تاریخ از میان تجربیات واقعی گذر می‌کردند، چیزها را در سطحی منطقی درک کنند. فقط پس از آن می‌توانست وضعیت بودن، ذهنیت، ظاهر بیرونی، اعتقادات اخلاقی و رفتاری که انسان امروز دارد بنیان گذاشته شود.

سپس در طول این روند گذر از تجربیات واقعی در این دنیا و آگاهی درباره‌ی دنیا، درحالی که فرهنگ بشریت در حال بنیان گذاشتن بود البته بایستی به انسان‌ها درباره‌ی مهم‌ترین چیزها گفته می‌شد، از قبیل: خدایان چه هستند؟ بوداها چه هستند؟ دأوها چه هستند؟ و خدایان مختلف چه هستند؟ بنابراین، فرهنگ بشریت چگونه بنیان گذاشته شد؟ این خدایان به دنیای بشری فرستاده شدند به طوری که بتوانند باعث شوند انسان‌ها از طریق نجات پیدا کردن درباره‌ی این چیزها آگاه شوند. در واقع، در خصوص نجات مردم، هم‌اکنون گفتم که آن‌هایی که نجات داده شدند روح‌های کمکی بودند. حتی یک شخص هم نتوانسته به آسمان‌ها برگردد- همه هنوز هم در دنیای بشری در حال بازپیدایی هستند. به خاطر این که روح کمکی توسط شکل بیرونی فرد تأثیر می‌پذیرد، او همان ظاهر فرد را دارد. افرادی با کیفیت مادرزادی خوب برای روشن‌بینی، ممکن است ببینند که او به آسمان‌ها برگشت، اما این موجود خدایی صرفاً روح کمکی انسان بود که اتفاقاً همان تصویر شخص را داشت. اما او واقعاً بدن اصلی آن شخص نبود و آن شخص هنوز هم مجبور است دست‌خوش بازپیدایی شود. تاریخ دقیقاً بدین شیوه، قدم به قدم تا امروز بنیان گذاشته شد و انسان بدین شیوه پرورش داده شد تا شخصی با تفکر و رفتار معاصر شود و این برای این بود که وقتی تاریخ بشریت به این مرحله‌ی پایانی رسید، موجودات بشری قادر شوند فا را تشخیص دهند. به عبارت دیگر، ظهور شاکيامونی و ظهور برخی از خدایان در تاریخ به منزله‌ی ظهور فرهنگ‌های عرضه شده‌ی خدایی بود. و در واقع، خود این هم برای این بود که برای موجودات بشری روش تفکری بنیان گذارد که آن‌ها را قادر کند موجودات خدایی را درک کنند و فرهنگی بنیان گذارد که مفهوم موجودات بشری را قابل درک کند. اگر تاریخ غیر از این می‌بود، وقتی من امروز می‌آمدم تا فا را عرضه کنم، برای من خیلی سخت می‌بود که این فا را آموزش دهم، چراکه نمی‌دانستید یک خدا چه چیزی است، یک بودا چه چیزی است یا یک دأو چه چیزی است. آن‌گاه چگونه می‌توانستم آن را آموزش دهم؟ مجبور می‌بودم همه چیز را برای شما توضیح دهم، شامل این که بوداها، دأوها و خدایان شبیه چه هستند، مشخصات آن‌ها چیست، چه کار می‌کنند، چگونه مردم را نجات می‌دهند، نجات دادن مردم چیست، برای افرادی که نجات داده می‌شوند چه اتفاقی می‌افتد و مانند آن. و حتی اگر تمامی این‌ها را برای شما شرح می‌دادم، شما نه تجربیات واقعی و دانش مورد نیاز را می‌داشتید و نه هیچ تصویری در ذهن‌تان، و نه این‌که از روند درک چیزها گذشته بودید. در این صورت چگونه فا را به شما عرضه می‌کردم؟ چگونه شما می‌توانستید آن را درک کنید؟ این دلیل آن است که چرا تمامی این چیزها می‌بایست در طول تاریخ کامل شود و بدین طریق امروز مردم بتوانند درک کنند که یک خدا چیست، فا چیست، تزکیه چیست، کمال چیست و مانند آن.

پس تزکیه چیست؟ فقط تزکیه‌ای که توسط مریدان دافا امروز انجام می‌شود تزکیه‌ی واقعی است، چراکه موجودات بشری در این‌جا واقعاً قادرند تزکیه کنند- چیزی که در تاریخ هرگز این‌گونه نبوده است. معنی "نجات تمامی موجودات ذی‌شعور" چیست؟ گرچه خدایان این فرهنگ را برای بشریت به‌جای گذاشتند، اما به چنین کارهایی [مانند نجات تمامی موجودات] واقعاً نپرداختند. اما من در حال انجام آن هستم و اکنون شما- مریدان دافا- نیز کسانی هستید که در حال نجات تمامی موجودات می‌باشید. و شما در حال انجام این کار برای تمامی بشریت هستید (نشویق)، نجات مردم در مقیاسی فراگیر. به عبارت دیگر، در انجام هر کاری که مریدان دافا امروز در حال انجام آن هستند- خواه قسمتی از برخی از پروژه‌ها باشید یا برای روشن‌گری حقایق به خیابان می‌روید، مطالب را پخش می‌کنید یا برای افشای شیطان، جلوی کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌ها می‌نشینید- در حال تزکیه‌ی خود، اعتباربخشی به فا و در این روند، نجات مردم دنیا هستید. این چیزی است که مریدان دافا در حال انجام آن هستند. گرچه به نظر عادی می‌آید، اما این کارها همگی باشکوه و قابل توجه هستند، زیرا تمامی حرفه‌ها در دنیای بشری و تمامی موقعیت‌ها محل تزکیه‌ی شما هستند. در خصوص تزکیه‌ی انجام شده در گذشته، شروع تزکیه به معنی رفتن به یک صومعه یا کوهستان‌ها بود. بسیاری از مردم این روش تزکیه‌ای را که برای مریدان دافا ارائه کردم درک نمی‌کنند. آن‌ها متعجب هستند، "چگونه درحالی که کار می‌کنند تزکیه می‌کنند؟ چگونه است

که راهب نشده‌اند؟" این قابل درک است. در واقع، زمانی شاکيامونی در این باره صحبت کرد. او گفت وقتی پادشاه مقدسی که گردونه را می‌چرخاند به این دنیا فرود آید، مردم قادر خواهند بود بدون این که مجبور باشند جهان دنیوی را ترک کنند تا [سطوح] تاناگاتاها تزکیه کنند. بنابراین چگونه یک شخص درحالی که جهان دنیوی را ترک نمی‌کند [به تزکیه] می‌پردازد؟ و در اجتماعی شبیه اجتماع امروزی، چگونه یک شخص قرار است تزکیه کند؟

هم‌اکنون گفتیم و قبلاً هم گفته‌ام که در تمامی حرفه‌ها و در تمامی قشرهای جامعه مریدان دافا وجود دارند و آنان درحال نجات موجودات ذی‌شعور، اعتباربخشی به فا و ایفای نقش مریدان دافا در تمامی حرفه‌ها هستند. و در واقع، وقتی ترتیبی می‌دهید که درحالی که در حرفه‌های گوناگون هستید، تمامی کارهایی را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید، در واقع آن‌گاه درحال تزکیه کردن هستید. حرفه‌های گوناگون در دنیای بشری همگی محل‌های تزکیه هستند که برای شما فراهم شده است. این برمی‌گردد به موضوعی که پیش‌تر مطرح کردم - که هر چیزی از بشریت در سه قلمرو برای دافا خلق شد، برای دافا ساخته شد و برای دافا آمد. یک شخص می‌تواند درحالی که هر کاری انجام می‌دهد یا درحالی که در هر حرفه‌ای مشغول به کار است تزکیه کند. به بیانی دیگر، اجتماع بشری یک محل تمرین بزرگی برای تزکیه‌ی مریدان دافای من است و شما می‌توانید بدون توجه به این که کجا هستید تزکیه کنید. فقط به این بستگی دارد که در تزکیه‌تان کوشا هستید یا نه و این برای افرادی که به‌عنوان مأموران ویژه درحال انجام کارهایی هستند نیز مصداق دارد. (خنده‌ی حضار) همگی می‌توانید تزکیه کنید و موجودات را نجات دهید. فقط موضوع این است که چگونه تفکران را هماهنگ و متعادل می‌کنید و چه نگرشی نسبت به فا دارید.

چیزهایی که درباره‌ی آن‌ها صحبت کردم در واقع چیزهایی هستند که قبلاً در آموزش‌های فای خود به آن‌ها اشاره کرده‌ام؛ این بار صرفاً از زاویه‌ی دیگری درباره‌ی آن‌ها با شما صحبت کردم. مایلم از فرصت اندک بعدی برای پاسخ به برخی از سؤال‌های شما استفاده کنم. (تشویق) مدتی طولانی است که شما را ندیده‌ام و بسیاری از افراد سؤال‌های زیادی برای پرسیدن دارند. اما همیشه افرادی هستند که در گذشته کوشا نبودند و اکنون کوشا شده‌اند. آن‌ها مجبورند مسیری را که دیگران درحال حاضر طی کرده‌اند از نو طی کنند و سؤال‌هایی را می‌پرسند که دیگران قبلاً مطرح کرده‌اند. (خنده‌ی حضار) هم‌چنین قسمتی از افراد نیز هستند که کتاب‌ها را زیاد نمی‌خوانند. کتاب‌ها شامل تمامی پاسخ‌ها می‌شود، اما این اشخاص کتاب‌ها را نمی‌خوانند و بنابراین وقتی مرا می‌بینند هنوز می‌خواهند آن سؤال‌ها را [که کتاب‌ها جواب می‌دهند] بپرسند. (خنده‌ی حضار) اما بدون توجه به این‌ها، از آن‌جا که آنان ترتیبی دادند که مرید دافا شوند و در دافا تزکیه کنند، باید برجسته در نظر گرفته شوند. اگر سؤال‌هایی دارید، شروع کنید و بپرسید. هرچه باشد، من استاد شما هستم. وقتی مریدان سؤالاتی دارند و مخصوصاً آن‌هایی که به تزکیه مربوط می‌شود، این موضوعی جدی است که من باید به آن سؤالات اشاره کنم و درباره‌ی آن‌ها با شما صحبت کنم. بعد، همان‌طور که سؤالات را مطرح می‌کنید باید مطابق معمول از طریق برگه‌های کاغذ آن‌ها را ارائه دهید. و یک نکته‌ی دیگر هست. بیش از سه‌هزار نفر هستید که این‌جا نشسته‌اید و این بدون احتساب سالن‌های فرعی است. اگر از هر شخص یک برگه سؤال باشد، نمی‌توانیم به همه‌ی آن‌ها رسیدگی کنیم. (استاد می‌خندد) بنابراین افرادی که بخشی از کمیته‌ی سازمان دهنده‌ی کنفرانس هستند آن‌ها را مرتب کرده و سپس آن‌هایی را که انتخاب می‌شوند بالا می‌فرستند.

(استاد می‌نشیند، مریدان دست می‌زنند)